

تर्फند یا عقب نشینی

*** پذیرش هیات سازمان ملل برای بررسی تجاوز جمهوری اسلامی به حقوق بشر در راستای جلوگیری از محکومیت رژیم در سازمان ملل صورت گرفته است**

پذیرش هیئتی از سازمان ملل برای بازدید از زندانهای سیاسی و رسیدگی به تجاوزهای رژیم جمهوری اسلامی به حقوق بشر، ایستادگی کرده است. نیز بیش از یک سال است جمهوری اسلامی برای سرپوش گذاشتن بر جنایت‌هایی که در بقیه در صفحه ۲

به دنبال طرح گزارش کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل درباره نقض حقوق بشر در ایران جمهوری اسلامی اعلام آمادگی کرد که یک هیئت از سازمان ملل متحد را برای رسیدگی به این امر بپذیرد
چندین سال است جمهوری اسلامی در برابر

اکثریت

نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۲۵ آذرماه ۱۳۶۸ برابر ۱۱ دسامبر ۱۹۸۹
به شماره ۶۰۹۱ سال ششم شماره ۲۸۶

نیروهای مسلح: مخمصه رژیم

از سوم تا دهم آذر هفته بسیج و روز هفتم آذر روز نیروی دریایی بود. در این روزها رژه‌ها، مانورها و سمینارهای متعددی برپا شدند. گرچه همگی رژه‌ها "باشکوه"، مانورها - که حتی با مهمات واقعی نیز اجرا شدند - "باعظمت" و سمینارها "بداستاوردهای قطعنامه‌ای انقلابی" بودند و ظواهر از اوضاع بسامان در میان نیروهای مسلح رژیم حکایت داشتند اما مقایسات "لشگری و کشوری" جمهوری اسلامی موفق نشدند از بروز مخمصه‌ای که در این میدان گریبانشان را چسبیده است جلوگیری کنند.
اولین عامل گرفتاریهای رژیم در رابطه با نیروهای مسلح جنگ قدرتی است که در میان جناحین حاکمیت جریان دارد و هرصدهای مختلفی را شامل می‌شود. طبعا نیروهای مسلح در بین این هرصدها، از اهمیت و نقش خاصی برخوردار است و هر یک از جناحین می‌کوشد از نفوذ بیشتری در میان این نیروها برخوردار باشد.

بدلیل همین کوشش هریک از طرفین برای بقیه در صفحه ۵



این جا میدان جنگ نیست. محوطه پارک شهر تهران است که در آن پاسداران رژیم توپ مستقر کرده‌اند و تحت عنوان دفاع شهری یا خندق به بگیر و ببند و بازرسی مردم می‌پردازند.

در این شماره

انقلاب در

*** "جمهوری دموکراتیک آلمان"**

در صفحه ۸

*** طرح مساله وحدت دو آلمان**

اکنون موضوعیت ندارد

در صفحه ۱۵

*** یادرفیق بهزاد عبداللہی گرامی باد**

در صفحه ۶

*** سفارت جمهوری اسلامی در وین**

تحت نظر پلیس اتریش

در صفحه ۱۲

رقابت صنفی

بازار در مصاف با شرکت‌های مضاربہ‌ای

نه تنها قیافه یک تاجر را ندارند حتی به نظر می‌رسد در مورد تجارت سر رشته‌ای ندارند، تروریستهای بزرگ اقتصادی قرار دارند.
سپس نوبت به بازار تهران رسید. مخالفت بازاریان تهران با فعالیت چپاولگرانه شرکت‌های مضاربہ‌ای اعلام شد و بعنوان نمونه حاج سعید امانی - تاجر معروف و رئیس شورای مرکزی اصناف از شرکت‌های مضاربہ‌ای خواست "بیایند و برای ملت توضیح دهند که با این سرمایه‌های هنگفت چکار می‌کنند." او همچنین گفت که شنیده است این شرکت‌ها پول مردم را گرفته و به ارز تبدیل کرده و به بانکهای کشورهای دیگر می‌سپارند، سپس بخشی از بهره آن را به صاحب سرمایه می‌دهند و بخش دیگر را برای خود برمی‌دارند.

بقیه در صفحه ۳

جنگ جمهوری اسلامی با تروریستهای "اقتصادی" نیز هشت ساله شد. هشت سال است که جمهوری اسلامی و مقامات و مطبوعاتش با تروریستهای اقتصادی "می‌رزمند". جنگی که گاه شدت می‌گرفته و گاه افست می‌کرده است اما همواره جریان داشته است! در ماههای اخیر عملیات "والفجر" دیگری علیه تروریستهای اقتصادی اعلام شده است. این عملیات که توسط بعضی از مطبوعات روز ایران و دنبال آنها ۱۳۶ تن از وکلای مجلس با هدف انهدام "شرکت‌های مضاربہ‌ای" آغاز شده بود در هفته‌های اخیر ادامه یافت و "رزمندگان" تازه نفسی، از جمله بازار و "کسبه و تجار محترم"، به آن پیوستند. ابتدا بازار قم به جبهه‌های این "جنگ مقدس" پیوست و تجار قم اعلام کردند که "مشخص است در پشت سر مسئولان شرکت‌های مضاربہ‌ای که

ترفند یا عقب نشینی

«گالیندوپل» اکتفا کرد.
برخی رسانه ها به تعویق افتادن
محکومیت جمهوری اسلامی در
سازمان ملل را نتیجه یک معامله
دانستند.

آنچه مسلم است جمهوری
اسلامی در قرار خود با نمایندگان
سازمان ملل، مثل سال های گذشته
پای بند نخواهد بود. جمهوری
اسلامی اولاً آنجا که در توان دارد
خواهد کوشید تا به بهانه های
تازه تر از ورود هیئتی از سازمان
ملل جلوگیری کند و ثانیاً
در صورتی که مجبور به پذیرش
این هیئت شود، تمام کوشش خود
را به کار خواهد گرفت تا هیئت یاد
شده گزارشی واژگونه و یا لااقل
ناقص ارائه دهد.

اگر چه اعلام پذیرش هیئتی از
سازمان ملل از جانب جمهوری
اسلامی حيله ای بیش نیست، با این
همه باید از همه امکانات استفاده
کرد تا اولاً جمهوری اسلامی مجبور
به پذیرش این هیئت در عمل بشود
و ثانیاً گزارش واقعی جنایت های
این رژیم در زندانها و تجاوزات
خشن و وحشیانه جمهوری اسلامی
به حقوق بشر در ایران تنظیم شود.

ما لیست بخشی از شهدای
اهدام های جمعی را در اختیار
سازمان ملل قرار داده ایم و اعلام
می کنیم تنها در صورتی می توان
از وضعیت زندان ها و آمار
جنایت های جمهوری اسلامی در
زندانیان ایران گزارش نزدیک به
واقعیت تهیه کرد که با
خانواده هایی که در اعدام های
جمعی زندانها همزمان شان را از
دست داده اند گفتگو شود.

باید برای زندانیان آزاد شده
تضمین های بین المللی تامین شود
تا بتوانند آزادانه آنچه را که در
زندانها بر آنها گذشته است و شاید
بوده اند بازگو کنند.

باید برای زندانیانی که اکنون
اسیر اسارت گاههای رژیم هستند
تضمین های حقوقی بین المللی
داده شود تا بتوانند آنچه که به واقع
در زندانهای جمهوری اسلامی
گذشته است و می گذرد بازگو
کنند. باید هیات بازدید کننده بتواند
از گورهای جمعی کشف شده
بازدید به عمل آورد.

بقیه از صفحه اول
زندانیان سیاسی ایران مرتکب
شده از ورود هیئتی از سازمان ملل
برای تهیه آمار اعدام های جمعی
جلوگیری کرده است. بدین
ترتیب اعلام آمادگی اخیر رژیم
برای پذیرش هیئتی از سازمان ملل
مطلبی است، قابل تأمل.

جمهوری اسلامی با اعلام
آمادگی برای پذیرش هیئتی از
سازمان ملل می کوشد تا جو کنونی
سازمان ملل را که پس از گزارش
تکان دهنده «گالیندوپل»
به وجود آمده تغییر دهد.

گزارش «گالیندوپل» افشاگر
بخشی از جنایت هایی است که
تاکنون در جمهوری اسلامی
صورت گرفته است؛ این گزارش
افشاگر بخش کوچکی از شکنجه های
رایج در زندانهای جمهوری
اسلامی، آمار بخشی از اعدام ها و
حواشی اشاره کوتاهی است به
اهدام های بدون محاکمه و بی وقفه
زندانیان سیاسی در زندانهای
جمهوری اسلامی.

به دنبال انتشار گزارش
«گالیندوپل» کمال خرازی
نماینده رژیم در سازمان ملل در
مذاکرات طولانی با دبیرکل و
اعضای سازمان ملل کوشید تا
ماموریتی را که برای به تعویق
انداختن محکومیت شدید
جمهوری اسلامی در سازمان ملل
داشت به انجام رساند.

اعلام آمادگی جمهوری اسلامی
برای پذیرش هیئتی از سازمان ملل
ترفندی است که رژیم جمهوری
اسلامی برای فرار از محکومیت
شدیدی که پس از گزارش «پل»
انتظارش را می کشید، به کار
گرفته است. این ترفند سال گذشته
نیز به همین سان به کار برده شد.

تلاش های زندان جمهوری
اسلامی برای به تعویق انداختن
محکومیت شدید جمهوری اسلامی
در سازمان ملل متأسفانه به نتیجه
رسید و کشورهایی موافقت کردند
که امسال از محکوم ساختن
جمهوری اسلامی در مجمع
عمومی سازمان ملل متحد
خودداری کنند. در نتیجه،
قطعه نامه مربوط به حقوق بشر در
ایران، تنها به تأکید بر گزارش

فدایی خلق دکتر منصور استاد دانشکده دامپزشکی بنام قاجاقچی بداز آویخته شد

اطلاع یافتیم که رفیق دکتر منصور، استاد دانشکده دامپزشکی
دانشگاه تهران به جرم هواداری از سازمان فدائیان خلق ایران
(اکثریت)، توسط جنایتکاران ولایت فقیه تحت عنوان قاجاقچی به جو خه
اهدام سپرده شده است.

دکتر منصور که به جرم فدایی بودن از استادی و تدریس در دانشگاه
اخراج شده بود و حق استخدام در مشاغل دولتی را نداشت، پس از خروج
از محل کار سابق به محل زندگی خانواده خود در همدان مراجعت نمود و
با ذخیره مالی محدود خود و به کمک سایرین و با استفاده از تخصص خود
اقدام به تأسیس یک گاو داری در محل می کند.

دکتر منصور که به خاطر انسان دوستی و هشتق و علاقه به مردم
زحمتش توسط رژیم «هوادار مستضعفان» محروم از اشتغال به
آموزش در دانشگاه شده بود، با کارگران و همکاران موسسه اش مناسبات
دیگری، سواي آنچه که همه کارفرمایان با کارگران دارند، داشته است و
برای تأمین رفاه نسبی آنان تلاش می کند. خانه مسکونی شان را تأمین کند
و بخشی از شیر تولید شده گاو داری را با قیمتی ارزانتر از آنچه در شهر
فروخته می شود در اختیار آنها می گذارد و برای سایر امور خدماتی آنان
با استفاده از درآمد گاو داری امکاناتی فراهم می کند و...

مامورین رژیم که مترصد کار و فعالیت دکتر بودند، به بهانه ای او را
بازداشت می کنند و او را از اینکه به کارگران و همکارانش توجه بیشتری
دارد، مورد نکوهش و استنطاق قرار می دهند و به او گوشزد می کنند «که
رسیدن های اضافی تو به کارگران و این خدماتی که به کارگران می کنی،
کمونیستی است و ما نه در یک کشور کمونیستی بلکه در یک مملکت
اسلامی زندگی می کنیم و تو مستحق مجازات هستی» او را مورد داذیت
و آزار قرار می دهند و برای وی چوبه دار هم آماده می کنند. پس از چندی
رفیق منصور را آزاد می کنند ولی یک بار دیگر پس از آزادی دوباره او را
دستگیر و زندانی می کنند. در زندان مجدداً او را زیر فشار و شکنجه و آزار
می کنند که از اعتقاداتش، اعتقاد خدمت به مردم، اعتقاد به انسانیت،
اعتقاد به همدردی به هم نوع، اعتقاد به سعادت همه مردم ایران و اعتقاد
به فدایی بودن دست بردارد. و او نمی پذیرد که انسان نباشد، نوع دوست
و سعادتمند و خواه دیگران نباشد، نمی پذیرد که خادم مردم نباشد، نمی پذیرد
که او و دیگران آزاد نباشند... دشمنان انسان، دشمنان سعادت مردم
ایران، دشمنان آزادی و آبرو به عنوان قاجاقچی اعدام می کنند.

ننگ شان باد

پیش برد شکیبایی مذهبی
مذهبی شده است که با مقامات
ایرانی در حال انجام مذاکره است
تا پس از مطمئن شدن از تأمین
امنیت جانی به ایران سفر کند.
به دنبال این ماجرا متنی که کلیشه
قسمتی از آن را در زیر ملاحظه
می کنید در روزنامه دولتی کیهان
شماره ۴ آذر به چاپ رسید. تنها
عنوان این مقاله ماهیت رژیم
تروریست جمهوری اسلامی را
به خوبی بازتاب می دهد.

در فرهنگ و قاموس جمهوری
اسلامی اولین مفهوم تقابل آمیز و
واکنشی در مقابل طرف مورد
حمله اعدام و ترور و چوبه
دار است. مدتی پیش رادیوهای
بی.بی.سی و آمریکا اعلام کردند
یکی از رهبران جامعه مسلمانان
انگلیس به منطقه خاور میانه سفر
خواهد کرد تا با اجرای
سخنرانیهایی حکم اعدام سلمان
رشدی را لغو کند. این رادیوها
اعلام کردند که دکتر «حشام
العیسوی» رئیس «جامعه اسلامی

چوبه دار برای فرستاده انگلیس آماده است!

شب گذشته در يك اقدام هماهنگ رادیوهای بیگانه در
«لندن» و «واشنگتن» از سفر فریب الویسوع يك جاسوس
انگلیسی به خاور میانه، برای جلب نظر مردم و لغو حکم
اعدام سلمان رشدی خبر دادند.

بقیه از صفحه اول

رقابت صنفی بازار در مصاف با شرکت های مضاربیه ای



اینها دشواری های اصلی این جنگ نیستند. دشواری اصلی این جنگ "ستون پنجم" قدرتمند خصم است. این است که مضاربیه یکی از "عقود شرع مقدس اسلام" است و این شرکتها "از استفتای مراجع عظام از جمله کلیایگانی و اراکی - "سو" استفاده" کرده اند.

بهمین جهت هم هست که دولت تاکنون روش تردیدآمیز و محتاطانه ای را در رفتار با شرکت های مضاربیه ای پیشه کرده است. این روش از انتقاد بعضی نمایندگان مجلس و مطبوعات مصون نمانده است. در واقع در ادامه همین روش محتاطانه دولت، پس از مدتی سکوت، وزیر اقتصاد و دارایی رژیم کرد که شورای پول و اعتبار مأمور بررسی وضعیت شرکت های مضاربیه ای شد. به گفته او این شورا وضعیت شرکت های مضاربیه ای را از نظر حقوقی، قانونی و اعتباری بررسی خواهد کرد.

چنان که دیده می شود صحبت از بررسی است و آنهم توسط شورایی بنام شورای پول و اعتبار. اما چنین تردیدهایی به دولت محدود نمی شود. "طلایه داران" عملیات اخیر نیز از مواضع واحدی برخوردار نیستند. در حالیکه خلخال گله مند است که "چرا یکی از اینها که جزو مفسدين فی الارض هستند اعدام نمی شو ند؟" هادی فغاری از اینکه "دولت دائماً شرکت های

اینها البته مبارز طلبی های ملایمی اند که از شیوه های "جنگ زرگری" بی تاثیر نبوده اند. اما اگر مثلاً اظهارات نماینده ملایر در مجلس آخوندی را در نظر بگیریم که معتقد است "اینها بعنوان یک اهرم برای تخریب فرهنگ و اقتصاد جمهوری اسلامی عمل می کنند و از خارج خط می گیرند." و انتظار دارد "توه قضائیه به عنوان محارب با جمهوری اسلامی و به عنوان مصداقهای بارز "مفسد فی الارض" برای آنها حکم اعدام صادر کند." آنگاه باور خواهیم کرد که این جنگ واقعی است. جنگ دشواری های خود را دارد. اینکه مثلاً یکی از صاحبان سهام یکی از این شرکت ها می گوید: "من از چند ماه قبل توسط دوستان فرهنگی و روحانی ام با این شرکت آشنا شدم... و یا یکی دیگر می گوید:

فعالیت این شرکت ها بعضی مسئولان را هم جذب کرده است... و به این ترتیب آشکار می شود که خود "روحانیون" و مسئولان هم از زمره سلسله جنباان این شرکت ها هستند، از دشواری های این جنگ است؛ اینکه "نقدان برنامه، سود کم بانکها و کند عمل کردن آنها در جذب سرمایه های سرگردان باعث روی آوردن مردم به شرکت های مضاربیه ای است" و "اگر نقدینگی موجود در جامعه به همین صورت رها شود همواره برنامه های دولت را دچار اختلال خواهد کرد" از دشواری های این جنگ است؛ اما

این باره چیزی گفته یا نوشته اند، شرکت های مضاربیه ای را دلال و عامل اساسی تورم و گرانی و کمبود و... قلمداد کرده اند، و به این ترتیب حرف ناگفته حاج سعید امانی را تکرار کرده اند. حاج سعید امانی می گوید که شنیده است این شرکت ها سرمایه شان را بصورت ارز به بانک های کشورهای دیگر می سپارند و نمی گوید که کدام بانک کدام کشور خارجی حاضر است چنان بهره ای بپردازد که شرکت های مضاربیه ای ترجیح دهند سرمایه شان را به عوض به جریان انداختن در همان مسیری که بازار به جریان انداخته است، به آن بانک بسپارند. بهره بانک های کشورهای دیگر از ۱۲ درصد بزمحت تجاوز می کند، حال آنکه سودبری سرمایه در بازار امروز ایران بیش از ۴۰ درصد است. حاج سعید امانی درست همین را نمی گوید که شرکت های مضاربیه ای سود سنگین شان را از همان طریقی می برند که سرمایه هنگفت بازار، و گفتن همین نکته را سایر "رزمندگان" نیز "فراموش" کرده اند.

مضاربیه ای را تحت نظارت قرار دهد" تر اثر نمی رود. با این ترتیب دیگر نباید در آن سوی دیگر جبهه تنها شرکت های مضاربیه ای ایستاده باشند. فعلاً تمایلی در حاکمیت و جامعه که روزنامه ابرار زبان آن است جای خود را با ظرافت هایی که از ملزومات این جنگ است، در کنار شرکت های مضاربیه ای انتخاب کرده است. ابرار طرح مساله شرکت های مضاربیه ای توسط برخی از رسانه های جمعی را به خبرنگارانی نسبت می دهد که "قادر به درک همیق مسائل مبتلا به جامعه خویش نیستند و فقط ظواهر را می بینند" این روزنامه سپس هشدار می دهد که چنین ساده اندیشی چه بسا مردم و مسئولان را دچار چنان مخمصه ای کند که رهایی از آن چندان ساده نباشد.

هلیرفم این اختلاف ها، چه بصورت اختلاف بین کیهان و ابرار و چه بصورت اختلاف بین مثلاً خلخال و فغاری، اما همگی اینان در یک موضوع اشتراک داشته اند: تطهیر بازار. تمامی کسانی که در



استان های جنوبی و غربی کشور در محاصره سیل

در هفته گذشته ریزش شدید باران در مناطق جنوبی و غربی کشور فاجعه آفرید.

به دنبال ریزش پیاپی در پی باران، برخی شهرها و روستاهای استانهای بوشهر، خوزستان و کهگیلویه و بویراحمد و ایلام در محاصره سیل قرار گرفته اند و برخی دیگر بشدت آسیب دیده اند. در اثر طغیان رودخانه های این مناطق و جاری شدن سیل روستاهای زیادی نابود گردیده و افراد زیادی کشته شده اند. گزارشهای اعلام شده از جانب حکومت حاکی است که تنها در استان ایلام بر اثر جریان سیل ۵ نفر کشته و عده زیادی مجروح شده اند. بر اثر بالا آمدن آب رودخانه ها در این استان زمین های کشاورزی کاملاً صدمه دیده و تا کنون بیش از دویست میلیون ریال به صاحبان آنها خسارت وارد شده است. پیشروی سیل در این استان مناطق بیشتری را در محاصره قرار داده و راه های ارتباطی قطع گردیده است؛ بطوریکه دولت اعلام کرده است امکان کمک رسانی وجود ندارد.

در کهگیلویه و بویراحمد نیز جاری شدن سیل خسارات زیادی بار آورده است. در منطقه شمال شرقی خوزستان بالا آمدن آب رودخانه مارون منجر به نابودی پل ارتباطی شهرهای این منطقه شده است. بر اساس گزارش دولتی تا کنون ۹ نفر در روستاهای آفاجاری و بهمان و ماهشهر در اثر جاری شدن سیل کشته شده اند و تعداد زیادی نیز مجروح گردیده اند. بر اثر بالا آمدن سطح آب رودخانه های کارون، گرخه، مارون و جراحی منطقه "هفتگل" خوزستان و شهر سوسنگرد در محاصره سیل قرار گرفته اند و تعداد زیادی از روستاهای "بافک" هفتگل در اثر جریان سیل نابود شده است.

جریان سیل در استان خوزستان نیز باعث قطع بسیاری از راه های ارتباطی اصلی گردیده است. در استان بوشهر نیز گناوه و برازجان به محاصره سیل درآمده اند. گفته می شود در برخی از مناطق گناوه ارتفاع آب تا سه متر می رسد و از اینرو خسارات سنگینی به مردم وارد شده است.

امکان کمک رسانی تحت عنوان "قطع شدن راه های کمک رسانی" و اعتراضات برخی مقامات محلی در دریافت کمک بیشتر همگی نشان دهنده ضعف و بی برنامه گی مسئولین در کمک به مردم می باشد.

همکاری های اقتصادی و صنعتی

میان ایران و چین

بدنبال پنجمین اجلاس کمیسیون مشترک اقتصادی ایران و چین که از اوایل ماه جاری آغاز شده بود، روز سه شنبه ۷ آذر ماه طرفین یادداشت تفاهمی را امضاء نمودند که طی آن حجم مبادلات اقتصادی و تجاری میان دو کشور طی سال ۱۹۹۵ معادل ۶۰۰ میلیون دلار پیش بینی شده است.

سفر قائم مقام وزارت خارجه فرانسه به تهران

فعالیت هایشان در ایران پس از انقلاب بهمن ۵۷ توسط بانک های فرانسوی بلوکه شده بود.

در گفتگوهای اخیر "شر" اعلام کرد که در صورتی که ایران حاضر به پرداخت خسارات شرکت های فرانسوی که نزدیک به ۳۵۰ میلیون دلار است، باشد دولت فرانسه نیز متعهد می گردد مابقی طلب ایران از آن کشور را بپردازد.

در دیدار قائم مقام وزارت خارجه فرانسه از تهران که قرار بود دو روز به طول بیانجامد، مقامات دو کشور همچنین پیرامون مسئله حجاب در مدارس فرانسه و نیز مسائل لبنان به گفتگو نشستند.

در رابطه با مسائل لبنان حکومت اسلامی مدعی است که فرانسه از "میشل عون" و نیروهای نظامی طرفدار وی حمایت می کند و به آنها قول کمک داده است.

بدنبال سفر ماه پیش واعظی قائم مقام وزارت خارجه حکومت اسلامی به فرانسه، "فرانسوا شر" قائم مقام وزارت خارجه فرانسه روز چهارشنبه ۱۶ آذر ماه وارد تهران شد.

هدف از مسافرت اخیر "شر" به تهران دنبال کردن مذاکرات طرفین پیرامون اختلافات مالی دو کشور و گفتگو پیرامون مسائل سیاسی مورد علاقه اعلام شده است.

در سفر ماه گذشته واعظی به فرانسه، مقامات وزارت خارجه دو کشور اظهار امیدواری کرده بودند که هر چه زودتر مناسبات اقتصادی و سیاسی دولتهای متبوع آنان، با حل مسائل مورد اختلاف از جمله مسئله مالی نیما بین، بهبود و گسترش یابد.

بیشترین اختلافات مالی دو کشور پیرامون وام یک میلیارد دلاری است که فرانسه در زمان شاه از ایران دریافت کرده بود. مبلغ مزبور به ادعای شرکتهای فرانسوی از دولت ایران بعلت قطع

حذف پیمان ارزی ۴۸ قلم از مواد معدنی

معدن (گل گهر در کرمان) تسریع نشود برای راه اندازی فولاد مبارکه نقطه ضعف جدی خواهیم داشت و امیدواریم طی ۲ سال آینده بهره برداری از این معدن را آغاز کنیم که مشکل اصلی در این راه تامین ۱۵۰ میلیون دلار ارز مورد نیاز این پروژه است.

حذف پیمان ارزی برای برخی از اقلام معدنی، واگذاری بهره برداری از معادن کشور به بخش خصوصی اعلام دعوت از شرکت های خارجی برای بهره برداری از معادن کشور تحت عنوان استفاده از تسهیلات جهانی و اعتراف به ناتوانی دولت در تامین هزینه لازم برای پروژه های معدنی، همه و همه در حالی صورت می گیرد که طبق برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی - اجتماعی دولت رفسنجانی، سهم درآمدهای حاصله از صادرات مواد معدنی ۱/۳ میلیارد دلار پیش بینی شده است.

محلوجی وزیر معادن و فلزات در بازدید ۸ آذر ماه خود از مجتمع مس سرچشمه و عملیات نصب ماشین آلات معدن گل گهر در کرمان اعلام کرد از این پس پیمان ارزی ۴۸ قلم از مواد معدنی حذف می شود. وی گفت: وزارت معادن و فلزات معتقد است به منظور ارزیابی توان صادراتی اقلام معدنی که ارزشی ناچیزی دارند و یا پیمان ارزی قابل توجهی ندارند، پیمان ارزی این قبیل مواد باید حذف شود تا بتوان ضمن ایجاد اشتغال، از توانائی صادرات مواد معدنی برآورد روشنی بدست آورد.

محلوجی ضمن بیان برنامه وزارتخانه مزبور طی برنامه ۵ ساله کشور جهت افزایش تولید فولاد، آلومینیم و مس به توضیح رابطه تامین ارز مورد نیاز پروژه های معدنی بهره برداری از آنها و راه اندازی برخی از پروژه های اساسی کشور مانند فولاد مبارکه پرداخت و گفت: اگر در بهره برداری از این

سفر فرمانده سپاه پاسداران حکومت اسلامی به کره شمالی

جمهوری دموکراتیک کره با کیم ایل سونگ رهبر این کشور دیدار و گفتگو داشته است. در این ملاقات کیم ایل سونگ حمایت مردم و کشورش را "از مردم و انقلاب ایران در مقابل تعرضات امپریالیسم آمریکا" اعلام داشت.

کره شمالی از جمله کشورهایی بوده است که در طول جنگ از رژیم جمهوری اسلامی حمایت کرده و به فروش سلاح به ایران ادامه داده است و به همین خاطر مقامات حکومت اسلامی برای روابط خود با کره شمالی اهمیت ویژه ای قائل هستند.

سفر رضائی به کره شمالی ۶ روز به طول انجامید و ی روز جمعه ۱۷ آذر ماه به تهران بازگشت.

محسن رضائی فرمانده کل سپاه پاسداران حکومت که اوایل هفته گذشته در راس یک هیئت بلند پایه نظامی و سیاسی جهت دیدار با مقامات جمهوری دموکراتیک کره هازم پیونگ یانگ شده بود، روز جمعه به تهران بازگشت.

در تهران اعلام شد که این سفر در ادامه مسافرت های خامنه ای و رفسنجانی به کره شمالی و موافقت های انجام شده بین مقامات دولت ایران و کره شمالی صورت گرفته است و هدف آن انتقال تجارب نظامی، آموزشی، فنی و سازماندهی نیروهای مسلح و گسترش مناسبات سیاسی نیما بین بوده است.

محسن رضائی و هیئت همراه در پیونگ یانگ ضمن ملاقات با مقامات نظامی و سیاسی

نیروهای مسلح: مخمصه رژیم

بقيه از صفحه اول

تامین نفوذ بیشتر خود در درون نیروهای مسلح بود که انتصاب یک نظامی ابتدا در وزارت دفاع و سپس در مناصب با اهمیت نظامی دیگری غیرممکن شد و رفسنجانی صریحاً به این نکته اصرار کرد. ضمناً کوشش یک طرف برای اتکا بیشتر به ارتش و طرف دیگر به سپاه، از نظرها پوشیده نمی ماند. رئیس مجلس در سخنانی که در جلسه ۵ آذر مجلس به مناسبت هفته بسیج ایراد کرد تلویحاً ارتش را بعنوان نیرویی که بروز "توطئه" علیه جمهوری اسلامی از درون آن منتفی نبوده و نیست و سپاه و بسیج را نیروهای که وظیفه مقابله با چنین توطئه هایی را برعهده داشته اند معرفی کرد.

اما جهت دیگر گرفتاری رژیم در این زمینه، همین تعدد نیروهای مسلح و حرکت این نیروها به موازات یکدیگر است. اکنون نزدیک به دو سال است که از فرمان خمینی به رفسنجانی برای ایجاد هماهنگی هالی بین سپاه و ارتش در واقع اقدام این دو - می گذرد. اما اقدامی که حاصل نشده هیچ، عدم هماهنگی بین آنها بیشتر هم شده است. طبعاً اینکه کدامیک از این دو نیرو در دیگری اقدام شود سوال از صدر تا ذیل افراد هر دو نیرو بوده است.

انتصابات شبيه انتصاب سخنانی - یکی از فرماندهان سپاه -

به سمت فرماندهی نیروی دریایی و ترفیع یک شبه اوبه مقام تیمسار دریادار به نارضایتی در بین افراد نیروی دریایی، و بطور کلی ارتش، دامن زده است. به نحویکه رژیم ناگزیر شد روز هفتم آذر، روز نیروی دریایی را فوق العاده بزرگ دارد و به مناسبت این روز کارنامه ای از دلاوریهای این نیرو را در "دفاع از میهن اسلامی" عرضه کند. اما این قبیل اقدامات ظن واقعی و نگرانی ارتشیان را دایر بر هدف اقدام ارتش در سپاه برطرف نکرده است.

رفسنجانی در توجیه انتصاب مذکور، در سخنانی که به مناسبت روز نیروی دریایی برای جمعی از افراد این نیرو، ایراد کرد گفت: "این انتصاب با توجه به آشنایی فرمانده معظم کل قوا (خامنه ای) از وضع نیروهای مسلح صورت گرفته و این تدبیر در هماهنگی و استفاده از امکانات نیروهای دریایی ارتش و سپاه بسیار موثر و مفید خواهد بود." او در این باره که کدام یک از امکانات مورد نظرش است گفت: "با بهره گیری از امکانات نیروی دریایی ارتش به ویژه در بعد آموزش و همچنین ترکیب با نیروی تفنگدار دریایی سپاه مدل جدیدی از سازمان رزم دریایی بوجود خواهد آمد که در دنیا سابقه ندارد." و به این ترتیب کمابیش سلسله مراتب مورد نظرش

را که در این سازمان مدل جدید وجود خواهد داشت آشکار کرد: امکانات آموزشی نیروی دریایی در ترکیب با نیروهای تفنگدار دریایی سپاه. روشن است که منظور از امکانات آموزشی هم نه دستگاه ها و ابزارها بلکه "کادر"ها هستند. در هماهنگی با همین الگو بود که او در سخنانی که به مناسبت هفته بسیج داشت نیز بسیجیان را به اهمیت دادن به روحیه و اعتقاد در مقابل آموزش های فنی و تخصصی دعوت کرد.

در همین گیرودار به تن سپاهیان و بسیجیان اونیفورم نظامی می پوشند، تسهیلات ویژه برای دسترسی سپاه و بسیج به امکانات آموزشی و استخدامی قایل می شوند و برنامه آموزش یک ماه در سال برای بسیجیان تصویب می کنند و به این ترتیب این نیروها را به سمت "تثبیت" و "استقلال" سوق می دهد و از سویی دیگر قهرمانیهای نیروی دریایی را در دفاع از "میهن اسلامی" می ستایند، آئین نامه مزایای شغلی پرسنل ارتش را تصویب می کنند و "امکانات ارتش در بعد آموزش" را همزیم می دارند.

این به میخ و به نعل زدن ها حاکی از آن است که مخمصه ادامه دارد.

آیا بن بست مذاکرات صلح خواهد شکست؟

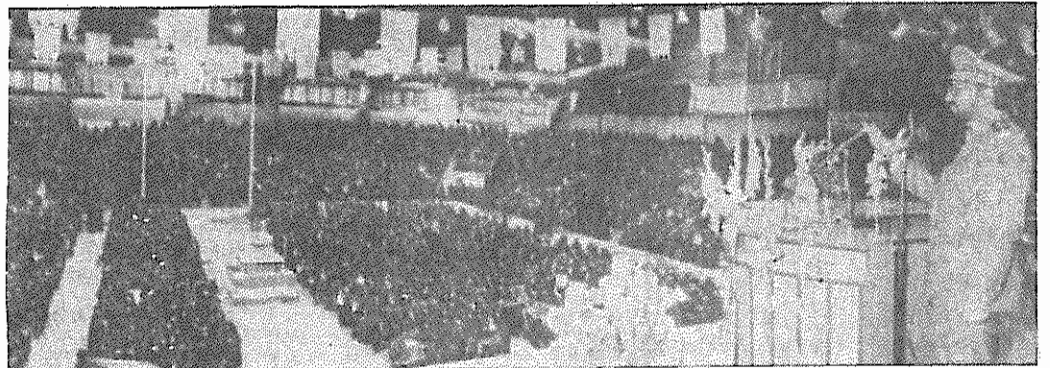
بنابه دعوت "خاویر" پرز دو کوئیار "دبیر کل سازمان ملل متحد از وزرای خارجه ایران و عراق جهت دیدار و ادامه مذاکرات صلح، روز شنبه ۱۹ آذرماه ولایتی وزیر خارجه حکومت در راس هیئتی عازم نیویورک شد. دیدار اخیر از جانب دبیرکل در حالی تدارک دیده شده است که در ملاقاتهای ماه گذشته "یان الیاسون" نماینده ویژه وی با وزرای خارجه ایران و عراق نتیجه مشخصی به دست نیامد و این مذاکرات مجدداً بن بست روبرو شد.

لازم به یادآوری است دبیرکل بعد از دریافت گزارش نماینده ویژه خود از سفر به ایران و عراق و گفتگو با مقامات دو کشور، در روز سه شنبه ۷ آذرماه گزارشی در اختیار شورای امنیت سازمان ملل متحد قرار داده است.

خبرگزاری فرانسه از جریان این نشست گزارش داد که "دوکوئیار" ایده های چندی در زمینه جستجو برای یک راه حل جامع جهت شکستن بن بست مذاکرات و بحران موجود میان ایران و عراق و همچنین تقویت اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت مطرح کرده است. در گزارش این خبرگزاری خاطرنشان شده است یکی از ایده های مورد نظر دو کوئیار ترتیب اجرای متفاوتی از مواد قطعنامه ۵۹۸ می باشد و در این ارتباط نیز دیک ساختن اجرای ماده یک این قطعنامه به ماده سه آن یعنی نزدیکی عقب نشینی نیروهای نظامی دو کشور به پشت مرزهای بین المللی و آزادی اسرای جنگی مورد نظر می باشد.

خاطرنشان می شود که جمهوری اسلامی نیز اجرای همزمان "بند" عقب نشینی نیروها و آزادی اسرای جنگی را پذیرفته است و مقامات وزارت خارجه رژیم در ملاقات خود با "الیاسون" نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل متحد آن را اعلام کرده اند.

مطابق گزارش های اعلام شده قرار است قبل از شروع دور جدید مذاکرات میان وزرای خارجه ایران و عراق "پرز دو کوئیار" با همریک از آنان جداگانه گفتگو نمایند.

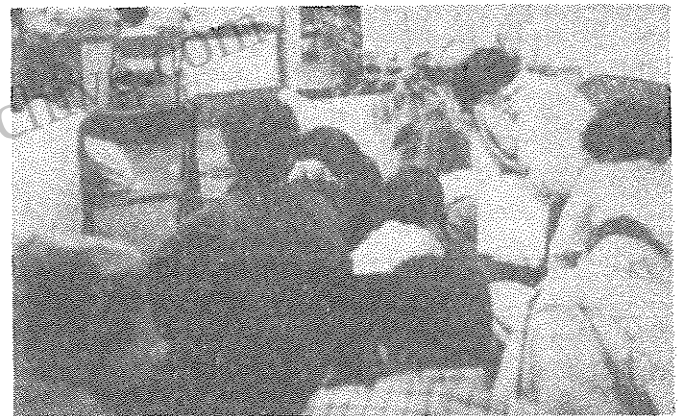


محسن رضایی فرمانده سپاه پاسداران در اونیفورم جدید سپاه

اعتصاب غذای گروهی از ایرانیان در ژاپن

سرانجام ساعت ۸ شب چهارمین روز اعتصاب، با حضور نماینده وزارت امور خارجه و قول آزاد کردن ایرانیان زندانی تاروز ۳۵ اکتبر، اعتصاب کنندگان به حرکت اعتراضی خود پایان دادند. لازم به تذکر است که دولت ژاپن متقاضیان پناهندگی را که مدت سه تا چهار سال بتکلیف در این کشور بوده اند، به بهانه اقامت غیر قانونی دستگیر و روانه زندان کرده و از آنها خواسته بود که یا خود کشوری را انتخاب کنند و یا هزینه شخصی ژاپن را به مقصد آن کشور ترک کنند یا داوطلبانه به ایران بازگردند. مأمورین دولت ژاپن اعلام کرده بودند که متقاضیان آنقدر در زندان می مانند تا به یکی از دو پیشنهاد مزبور تن دهند. لازم به تاکید است که یکی از ایرانیانی که پس از

به دنبال موج دستگیری و زندانی کردن ایرانیان متقاضی پناهندگی در ژاپن و بخاطر مشکلات متعدد آنان در این کشور، کانون ایرانیان متقاضی پناهندگی ژاپن طی اطلاعیه ای در تاریخ دوم اکتبر، خواستار آزادی متقاضیان پناهندگی و رفع مشکلات آنان شد و در این راه از کلیه نیروهای بشردوستانه، سازمان های حقوقی و بین المللی، رسانه های عمومی و مردم ژاپن درخواست کمک و یاری شد به دنبال آن تنها یک تن از متقاضیان که مدت ۱۷ ماه در زندان یوکوهاما- ژاپن بود، آزاد گردید. بخاطر عدم توجه به خواسته های طرح شده، چهارده تن از اعضا کانون از روز ۲۴ اکتبر در دفتر امور پناهندگی ژاپن دست به اعتصاب غذا زدند.



اعتصاب غذا از زندان آزاد شده بعلت بیماری آسم در بیمارستان صلیب سرخ توکیو بستری شده است.

در محل اعتصاب غذا شعارهای زیر نصب شده بود:

— جان زندانیان سیاسی زن در خطر جدی است.

— اعدام زندانیان سیاسی هنوز ادامه دارد.

— پناهنده محصول نقض حقوق بشر در کشور می باشد.

— زندانی کردن پناهندگان، راه حل نیست.

این اعتصاب غذا در رسانه های گروهی ژاپن انعکاس وسیعی یافت. روزنامه آسانی که در ۸ میلیون نسخه در روز چاپ می شود، تلویزیون آسانی، ژاپن تایمز از جمله رسانه هایی بودند که خبر مزبور را با تابلو دادند. در طول مدت اعتصاب غذا نماینده حقوق بشر وزارت امور خارجه و مسئولین دفتر امور پناهندگی با اعتصاب غذا کنندگان به مذاکره پرداختند. از روز ۲۷ اکتبر اعتصاب غذای اعضای کانون آغاز شد. طی این مدت مأمورین آگاهی و پلیس در محل حاضر شده و آنان را به اخراج تهدید کردند.

توضیح:

بعلت تراکم گزارش رویدادهای جهان در این شماره، درج بخش دوم مقاله "سیمای نوین سوسیالیسم" امکان پذیر نشد. بخش دوم مقاله مزبور را در شماره آینده نشریه می خوانید.

خمرهای سرخ در "حکومت دوره گذار"

نیرویی که در مقابل خمرهای سرخ و بازگشت این باند جانی به قدرت ایستاده است، تضعیف شود. مجموعه استدلالات توجیه گرانه دولتهای غربی و شرکایشان در جنوب شرقی آسیا، گروه کشورهای آستان، قادر به تغییر این واقعیت نیست که سخنان رسا علیه خمرهای سرخ تنها الفاظی های تو خالی هستند. سیاست جمهوری خلق چین و ایالات متحده آمریکا بر بنیان کینه کور ضد ویتنامی، دارو دسته آدمکش پل پت و شرکا را بر دولت هون سن ترجیح می دهد. کسانی که بهای این سیاست را می پردازند مردم زجر دیده کامبوج اند.

طی سالهای طولانی این طور گفته می شد که حضور واحدهای نظامی ویتنامی راه حل سیاسی مسئله کامبوج را سد کرده است و تنها یک انتخابات آزاد میتواند پذیرش بین المللی کامبوج را به دنبال داشته باشد.

واحدهای نظامی ویتنام از کشور خارج شده اند. آنچه در کامبوج صورت می گیرد یک جنگ داخلی است که در آن ایالات متحده آمریکا و متحدین آن علیه منافع مردم دخالت دارند. انتخابات تا هنگامی که این دخالت خارجی، جنگ مزبور را شعله ور نگاه دارد دافیر ممکن است.

دولت ها و نیروهای سیاسی معینی، از جمله در جنوب شرقی آسیا، دیگر حافظ به ادامه این بازی نیستند. به عنوان نمونه کشور استرالیا از کارزار ضد ویتنامی خارج شده است و می خواهد روابط تجاری خود با کامبوج و ویتنام را هادی سازد. نخست وزیر تایلند یک طرح سازش تدوین کرد اما ایالات متحده آمریکا با دخالت آشکار در امور داخلی این کشور از یک ابتکار دیپلماتیک منطبق با طرح مزبور ممانعت به عمل آورد.

در این میان نمایندگان پارلمان اروپا نشانه امیدبخشی را میان ساختند. آنها اخیرا در مصوبه ای خواستار پس گرفتن پذیرش خمرهای سرخ توسط سازمان ملل متحد و برسمیت شناختن دولت هون سن شدند.

درست به هنگام اوج گیری عمومی فریاد کسانی که از دم زدن درباره جشن پیروزی ارزشهای غربی خسته نمی شوند، در هفته های اخیر یک موضوع، تقریبا بدون آنکه توجه کسی را جلب کند از روی صحنه عبور کرد. موضوعی که پرده ها را بالا می زند و تذبذب برخی مدافعان حقوق بشر را آشکار می کند.

موضوع بر سر کامبوج و موضع اکثریت سازمان ملل است. ابتدا بدون هیچ بحثی مشروعیت "ائتلاف مقاومت" به رهبری ظاهری شاهزاده سیهانوک، تأیید شد و به این ترتیب جانیان خمر سرخ نیز به جای آنکه در برابر یک دادگاه بین المللی قرار داده شوند، به جایگاه نمایندگی کامبوج در سازمان ملل فراخوانده شدند. سپس اکثریت مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه ای را تصویب کرد که بر مبنای آن در کامبوج دولت گذاری تشکیل شود که در آن دارو دسته خمرهای سرخ نیز مشارکت داشت.

باشند. منطبق بر مبنای این قطعنامه چنین بیان شد که: هدف آن است که یک "کامبوج مستقل و مبتنی بر حق حاکمیت ملی" بنا شود و در همین حال خمرهای سرخ که دستشان به خون آغشته است دیگر قادر به کسب قدرت نباشند!! اما قطعنامه، خود جاده را برای آنها صاف کرده است. و استدلال آنها: پل پوت به لحاظ نظامی قوی تر از آن است که بتوان "در یک دوره گذار" آن را نادیده گرفت. دولت های طرفدار قطعنامه از پاسخ به این سوال که چرا قدمهایی در جهت تضعیف پایه های خمر سرخ و قطع پشتیبانی چین، پشتیبان اصلی پل پت، برداشته نمی شود شانه خالی می کنند. و می گویند:

خمرهای سرخ با تقویت ارتش سیهانوک و متحد او، سون سان، خنثی خواهند شد!!

ارتش آمریکا، سازمان سیا، دولت های تایلند و مالزی و افسران سنگاپوری مستقر در بانکوک در قالب یک "گروه کار کامبوج" هدف مذکور را تدارک می بینند. تنها حاصل سیاست مزبور این است که ارتش کامبوج، به مثابه تنها

موقتاً به همه اجازه عبور دادند و بدین سان تنها اعلام مقررات جدید اهالی را چنان به جوش و خروش آورد که همین مقررات در برابر سیل خروشان آنها پیش از اجرا لغو شدند.

این مردم همه چیز را یک جا و فوراً طلب می کردند. دولت نیز به قدر کافی هشیار و آگاه بود که خود را در برابر مردم قرار ندهد. برای آمریکایی ها هجوم سیل آسای اهالی آلمان شرقی برای سفر به خارج به شورش و هشیان در میان گلهای از حیوانات وحشی شده شباهت داشت.

قابل عبور شدن دیوار برلین ناممکن ترین امر قابل تصور بود و درست همین امر می بایست به واقعیت پیوندد تا کلام رهبری کشور یکبار هم که شده در باور و اعتقاد مردم راه یابد. با خروج بسیاری از اهالی کشور مسلم شد که تغییر و تحولات برگشت ناپذیرند. با این همه سخن گفتن از احیای اعتماد تام و تمام به دولت غیر واقعی است.

هقب نشینی دولت به حالت فوق العاده مبتنی بر رویایی و اختناق کاملاً پایان داد. وضعیتی پدید آمد که هر تغییری ممکن و قابل تصور شد. آنچه که دیروز از بدیهیات به شمار می رفت، اکنون بطور غیر قابل تصویری غیر واقعی می نماید. احساس اولیه این است که اکنون همه چیز ممکن است. اما این وضعیت ناپایدار و کلاً متفاوت با گذشته تاکی دوام خواهد آورد؟

پای دیوار برلین به عرصه جشن های مردمی و جشنواره استبدادزدگانی بدل گشت که با احساسات و حرکت پرشور خود موانع را فرو ریختند. انسان ها ارتقا یافته و خود را باز یافتند. این روند مصداق گفته مارکس در کتاب "ایدئولوژی آلمانی" است: "پرولتاریا باید دولت را سرنگون کند تا به شخصیت واقعی خویش دست یابد." و آیا در آلمان شرقی همانا دولت قلب شده کارگران و دهقانان نبود که می بایست سرنگون شود؟ همان دولتی که به نام بازگرداندن شخصیت کارگران و دهقانان در عمل آنها را به کناری رانده بود؟

هر انقلابی در مرحله معینی به حضور گسترده مردم در صحنه و باز شدن زبان آنها می انجامد. بنابه گفته کریستا ولف "هر گفتگو و بحث فراگیری همه مردم را در هر کجا که هستند در بر می گیرد." این بحث ها مرزها را نیز

در نوردید، به خارج راه یافت و اهالی آلمان غربی را نیز به خود مشغول داشت.

در چنین هنگامه ای تحول شگرف انسان ها به امری هادی مبدل می شود. مفسر روزنامه فرانکفورتر آلگماینه اما به هبت می گوشت که وضعیت کنونی را نه هنگامه تحول انسان ها، بلکه لحظه شکست قطعی مارکسیسم تفسیر کند. نظریه پردازان بورژوایی طبعاً می گوشتند که از وضعیت تاریخی حاضر ارزیابی خودفرضانه ای ارائه دهند. این محافل خواست خلق مبنی بر مالکیت بر تولیدات را در برابر مالکیت خلقی بر وسایل تولید قرار می دهند. این محافل با اشاره به کمبود کالا در آلمان شرقی مدعی اند که مدیریت و تدبیر ویژه آنها چنین پدیده ای را در غرب منتفی ساخته است. اما دم زدن از مدیریت ویژه و منحصراً به فرد بیهوده است. راست این است که در غرب و شرق دو پدیده بیگانه با انسان سر بر آورده اند: ساختار بوروکراتیک حاکمیت در کشورهای سوسیالیستی که خلق را به نام مالکیت خلقی از هر گونه ثروتی محروم ساخته است و بیگانگی تولید کنندگان از وسایل تولید در جهان سرمایه داری که تقلاً می شود با مالک کردن تولید کنندگان بر وسایل مصرفی بر آن سر پوش نهاده شود.

بربستر وضعیت کنونی سرمایه داری می گوشت که در قلوب جا باز کند. "پول خوش آمد" (۱۵۵ مارک برای هر شهروند آلمان شرقی که به آلمان غربی می آید) که گویا تاکنون تنها ارزش معنوی داشته، با گشایش مرزها به همه اهالی آلمان شرقی تعلق می گیرد. ارائه این پول هم با تکنولوژی فوق مدرن و از طریق بانک ها و شبکه پستی انجام می گیرد. به شهروندان آلمان شرقی که به آلمان غربی سفر می کنند، همه گونه خوراکیها و تفریحات از قهوه و شراب گرم و سوپ گرفته تا کارت ورود مجانی به مراکز تفریح و لهو و لعب نیز اهدا می شود. برای آنکه اهالی آلمان شرقی فکر کمونیسم را از سر به در کنند به آنها چنین القا می شود که ورودشان به جهان غرب موقعیتی استثنایی است که باید از آن تا آخرین حد بهره گیرند. با ورود اهالی آلمان شرقی به غرب رفت و آمد و خرید از فروشگاه های بزرگ به نحو بیسابقه ای فزونی گرفته

است، به گونه ای که سرمایه داری از فرط خوشحالی در پوست خود نمی گنجد. ده مارک آلمان شرقی اینک (مصنوعاً) تا حد یک مارک آلمان فدرال تنزل کرده است و بانک ها که در ازای ۱۰ مارک شرقی ۲/۵ مارک غربی می پردازند نیز به معامله های شیرین و هنگفت مشغولند. در بازار بورس، سهام فروشگاه های بزرگ دست به دست می شود و بخش ساختمان در اوج رونق خویش است. برای نظریه پردازان سرمایه داری "دموکراسی" سر پوشی است بر این پدیده ها. حماقت و نا آگاهی برای آنها کلاهی مطلوبی است که قیمتش را ندانی پردازند.

تحول و انقلاب در درون حزب

ساختار دولت در آلمان شرقی همه مظاهر زندگی اجتماعی را مهر و موم کرده بود، مهری که نشان ح. س. م. آ. بر خود داشت. هیچ گونه رکود و درهم ریختگی را نمی شد یافت که این حزب در آن نقشی نداشته باشد. اما روند انقلاب به درون این حزب نیز راه پیدا کرد و این حزب خود را دوباره در هر صه رزم و سنگر یافت. سوسیالیست ها، کمونیست ها، مارکسیست ها و همه چیزهای زیور یافته با این نام ها اولین زندانیان چنین ساختاری بودند. همه کسانی هم که به پست های دولتی و اجتماعی مهمی می رسیدند نیز به درست یا نادرست به چنین عناوینی ملقب می شدند. به عبارت دیگر راه دستیابی به قدرت و امتیازات از درون SED می گذشت. عناصر ناهمگون این ساختار حزبی، یعنی تکنوکراسی در راس حزب و پیوند و همبستگی با مردم در بدنه حزب هر کدام از راه های ویژه خود برای ربایی از این زندان می گوشتند. گسترش یافتن دامنه انقلاب به درون "ح. س. م. آ." آخرین شانس را برای دگرگونی به این حزب ارزانی داشت. این انقلاب هملا نه تنها از سوی نیروهای واقع بین در رهبری، بلکه بیش از همه از سوی بدنه حزب درک شد و به نحو نیکویی مورد استفاده قرار گرفت. اعضای حزب با تظاهرات اعتراضی خود در مقابل ساختمان مرکزی حزب و با سردادن شعار کنگره فوق العاده اجلاس کمیته مرکزی را تحت الشعاع قرار دادند. در کنگره فوق العاده نمایندگانی باید شرکت جویند که از واحدهای پایه و با

انتخابات آزاد برگزیده می شوند. در این تظاهرات سخنران ها یکی پس از دیگری به اظهار نظر می پرداختند، سخنرانانی که زبان واقعی انقلاب بودند.

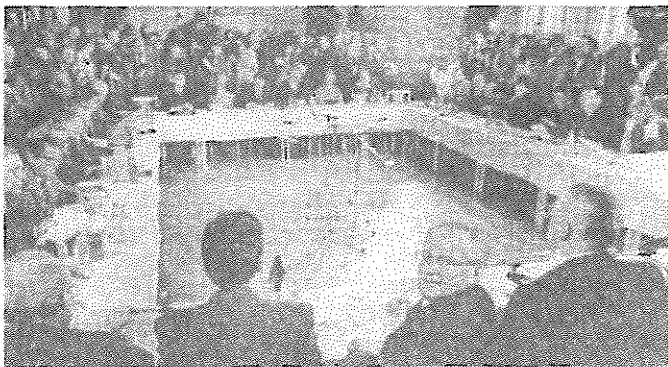
رهبری آلمان شرقی فرصت پدید آمده از تب مسافرت در میان اهالی را مغتنم شمرد، تا لختی بیاندیشد و از واکنش های لحظه ای نادرست بپرهیزد. در زمینه تبدیل کنفرانس سراسری حزب به کنگره فوق العاده رهبری به خواست بدنه تمکین کرد و بدین سان خطر انشعاب در حزب را منتفی ساخت. حال اگر گزینش نمایندگان کنگره به نحوی دموکراتیک انجام یابد، دیگر تحول کیفی در حزب امر غیر ممکن نخواهد بود.

اما آنچه که در تلاش برای بهسازی حزب نوعی خود فریبی را تداعی می کند سخن گفتن از "احیای" دوباره دموکراسی درون حزبی است. واقعیت اما بیانگر آن است که دموکراسی درون حزبی هیچ گاه در ح. س. م. آ. وجود خارجی نداشته و تنها این نخستین شانس تاریخی برای جاری ساختن این دموکراسی پدید آمده است. تحت تاثیر کلیشه های استالینی و به پیروی از نمونه اتحاد شوروی "ح. س. م. آ." همدا به سیستم فرماندهی بوروکراتیک بدل شده بود. تحولات ژرف در آلمان شرقی و نیز سلب انحصار قدرت از "ح. س. م. آ." شاید که این حزب را در راستای دگرگونی های ژرف درونی قرار دهد. در همین رابطه "دبتر کلاین" در تظاهرات رسمی اعضای حزب تحول در بینش حزب نسبت به مسئله قدرت را خواستار شد. به گفته وی آنچه که اکنون در حال روی دادن است یا به آمیزش سوسیالیسم و دموکراسی خواهد انجامید و یا زوال سوسیالیسم را در پی خواهد داشت.

تفاوت با پرسترویکا

بر خلاف اتحاد شوروی نو سازی در آلمان شرقی ابتدائاً از حزب آغاز نشد. اما حزب متعاقباً به روند نو سازی پیوست و مطابق معمول این روند در حزب و در جامعه به گونه ای موازی جریان یافت دیگر تنها با تحلیل های طبقاتی نمی توان به تبیین پدیده ها و از جمله پرسترویکا پرداخت. توضیح پرسترویکا بعنوان اعتراض همه طبقات علیه نابرابری ها چندان با واقعیت سازگار نیست در روند

کنگره حزب سوسیالیست متحده آلمان



نمایندگان احزاب و نیروهای مختلف سیاسی در پای میز مذاکره

شده می نمایاند.
به تعبیری انقلاب کنونی محصول آگاهی عمومی سوسیالیستی از سویی و واقعیتهای ضد سوسیالیستی "سوسیالیسم موجود" از سوی دیگر است. برخلاف اغلب مطبوعات جوامع غربی که قادر به ارائه و خواهان ارزیابی حقیقی از تحولات کشورهای سوسیالیستی نیستند، انگیزه و محرک اصلی اکثریت مردم استقرار جامعه‌ای مبتنی بر سوسیالیسم دموکراتیک است. گواه این مدعا شعارها و مطالبات مردم در اجتماعات و راهپیمایی‌هاست. اکثر احزاب و سازمانهای متعلق به اپوزیسیون در آلمان دموکراتیک از "مجمع جدید" گرفته تا حزب سوسیال دموکرات و سایرین به میان خود را

حزبی دگرگون شده است.
اکنون هنگام آزمایش نمونه نظام جدید است. این آزمایش به آزمایش انشاقی تبدیل خواهد شد. هدف اصلی فازی که پشت سر گذاشته شد سقوط کهنه بود. اما سرنواشت انقلاب به آن بستگی دارد که نظام نوینی بیافریند. اکنون انگار بسیاری با احساس اینکه جنبش دچار انشعاب خواهد شد از آینده می‌گریزند. به کجا؟ چه باید کرد؟ مفهوم انقلاب چیست؟ با شتابی که انقلاب پیش می‌رود بازگرازان آن فرصت اندکی برای تفکر دارند. باین همه می‌توان مشاهده کرد یک ساختار محکم پارلمنتاریسم سوسیالیستی برای خود جا باز کرده است. سوسیالیسم به عنوان یک نظام پویا هر چه بیشتر خود را بعنوان آلترناتیو جمود مطلقه خلع

سوسیالیسم واقعا موجود را، که ما سالهای طولانی بدون هیچ انتقادی از آن حمایت کردیم، نشان می‌دهد. خود توده‌های این کشورها علیه گمراهی‌های جوامع سوسیالیستی و احزاب کمونیست به تبرد برخاسته‌اند. اکنون می‌توان کم و بیش استنتاج کرد که سوسیالیسم چه باید باشد، چه نمدادهایی را ایجاب می‌کند و کدام اشکال را نیازمند است. در اینجا قبل از همه باید از دموکراسی نام برد.

مدافع نظام سوسیالیستی خوانده‌اند. این واقعیت که در هفته گذشته اکثریت مردم جمهوری دموکراتیک آلمان در یک نظر خواهی عمومی علیه وحدت مجدد دو آلمان اظهار نظر کرده‌اند نشان می‌دهد که سرمایه‌داری هلیرفم همه زرق و برق‌هایش قادر به فریب اذهان مردم نشده است. فرآیندهای اجتماعی انقلابی در کشورهای سوسیالیستی

میدان آمدن این بدنه و با تأثیر گذاری آن بر سمت و سوی تحولات، انقلاب کنونی به انقلاب اجتماعی فرا می‌رود که قادر به پیشرفت و تداوم است. در فیراین صورت جنبش کنونی از سوی سرمایه جهانی به کجراه کشیده شده و به یقین خواهد رفت.
در نزد بسیاری و از جمله در نزد بسیاری از چپ‌ها دموکراسی یعنی سرمایه‌داری. اکنون اما وقت آن است که این تصور نابجا به کناری نهاده شود. سرمایه‌داری می‌تواند هم چنان در زمینه مسخ شخصیت و نیز در زمینه فساد و فحشا مقام نخست را برای خود محفوظ بدارد. اما نظام اجتماعی آینده باید در هر صدم دموکراسی و پرورش و رشد شخصیت انسان چنان نمونه‌ای عرضه کند که سرمایه‌داری هملا خلع سلاح شود و از ادعاهای خود در زمینه تحقق دموکراسی دست بشوید. روزنامه فرانکفورتر آگماینه در کنه رویدادهای آلمان شرقی دو گرایش متضاد را مشاهده می‌کند که در آلمان غربی نیز رور در روی یکدیگر ایستاده‌اند. به نظر این روزنامه مبارزه جاری در آلمان شرقی بر سر آن است که آیا جامعه باید بسوی سوسیالیسم دموکراتیک هدایت شود و یا به راه رشد سرمایه‌داری برود. این روزنامه سپس تلویحا اظهار نظر می‌کند که انتخاب راه دوم سودمندتر و عملی‌تر است. اما حق نه با روزنامه فرانکفورتر آگماینه

پرسترویکا از پدید آمدن جبهه‌ای از نوع بی چیزان و پایمال شدگان علیه افشا هم خبری نیست. پرسترویکا را باید به مثابه انقلاب ابتکار بر علیه رکود و خوددگی، انقلاب هواداران بارآوری تولید و انقلاب برای آزادیهای فردی و رهایی نیروهای مولده تلقی کرد. پرسترویکا انقلابی مدنی است. این انقلاب بنا به خصلت متمدنانه‌اش در نظر افراد کوه‌تپه‌بین به مثابه انقلابی بورژوازی جلوه گر شده است.
در رهبری آلمان شرقی بی‌تردید نیروهای یافت می‌شدند که مایل بودند تحت عنوان اصلاحات رادیکال "انقلاب شغلی" (اصطلاحی از گرامشی) تحت رهبری حزب را به جامعه قالب کنند. بی‌اعتنائی به ضرورت انجام اصلاحات از سوی "ارتش هونکر" راه این نیروها را سد کرد. با جریان یافتن انقلاب در پایین نیروهای عقب‌مانده حزب ابتدائا تلاش کردند که "انقلاب منفعل" خود را جا بیندازند. خیزش نیروهای بدنه حزب اما امید این نیروها را نقش بر آب کرد و به تثبیت موقعیت نیروهای تحول طلب در رهبری حزب انجامید. این نیروها می‌دانند که باید همراه با گرایش‌های سوسیال دموکراتیک درون جامعه راه سومی را جستجو کنند.
شرقی خود جنبش توده‌ای پشتوانه و ضامن هر تحولی است. این جنبش ابتداء در بدنه حزب رخنه یافت. بابه

" طرح مساله وحدت دو آلمان اکنون موضوعیت ندارد "

واکنش منفی مجموعه کشورهای اروپایی و ایالات متحده آمریکا مواجه شده است.
مخائیل گورباچف هنگام ملاقات خود با فرانسوا میتران در کیف متذکر شد مرحله نوین تحولات اروپا بر پایه دستاوردها و واقعیتهای بسط می‌یابد که پس از جنگ ایجاد شده و به وسیله معاهده هلسینکی تثبیت گشته‌اند. پاسخ به اشکال و طرق حل مسئله آلمان باید در فرایند تحولات مجموعه اروپا جستجو شود. وی افزود اما امروز این مسئله مبرمیت ندارد و طرح آن، مسائل مربوط به مناسبات کشورهای اروپایی و نیز میان دو کشور آلمان را بفرنج خواهد کرد. فرانسوا میتران نیز گفت نباید بدون توجه به توازن قوا در قاره و ملاحظه واقعیت‌های امروز دست به کاری زد.

تغییر و تحولات اخیر در کشورهای سوسیالیستی و آغاز روند دگرگون سازی در جمهوری دموکراتیک آلمان مسئله وحدت دو آلمان را نیز زنده کرده است. حکومت جمهوری فدرال آلمان به خصوص احزاب دموکرات مسیحی و سوسیال مسیحی این مسئله را به سوژه انتخاباتی خود بدل کرده‌اند تا با برانگیختن احساسات ناسیونالیستی مردم شانس خود در انتخابات آتی را افزایش بدهند.
دولت آلمان فدرال بدون توجه به تفاوت سیستم‌های موجود در دو کشور و واقعیت‌های پس از جنگ اروپا و بدون تبادل نظر با سایر کشورها، منجمله کشورهای متحد خود در پیمان ناتو، سیاست تک‌روانه‌ای را در پیش گرفته است.
در نتیجه سیاست مزبور با

را ندارد، بلکه می‌خواهد نمونه‌ای از سوسیالیسم راستین، سوسیالیسمی از راه سوم را ارائه دهد. و این همان آلترناتیوی است که جنبش مردمی در آلمان شرقی رسیدن به آن را آماج خود قرار داده است. چگونگی حرکت و کردار این جنبش برگ بعدی ماجرا را رقم خواهد زد.

بلکه از آن مدیر سندیکا ی فولادگران آلمان غربی است که گفت: "من یقین دارم که آینده نه از آن سرمایه‌داری بلکه از آن سوسیالیسم است... یک ائتلاف بزرگ مرکب از نیروهای هوادار آزادی و سوسیالیسم در حال شکل گرفتن است. این ائتلاف تنها قصد نجات سوسیالیسم در آلمان شرقی

جنگ داخلی در السالوادور شعله می کشد

دیدار میخائیل گارباچف و جرج بوش نمایانگر ...

بقيه از صفحه ۱۲

واقعیت جامعه شوروی و هم از درک اهمیت و اولویت مسائل هموم بشری منشاء می گزیند. زمانی چنین به نظر می رسید که غرب در هرگونه پذیرش پیشنهادات اتحاد شوروی در زمینه کاهش سلاحهای هسته ای چیزی جز کمک به دشمن را مشاهده نمی کند. اکنون رئیس جمهور آمریکا در مالتا در برابر گارباچف و در روز پس از آن در بروکسل در برابر متحدین اروپایی خود اظهار می دارد که ایالت متحده آمریکا پشتیبان سیاست اصلاحات شوروی است.

سیاست جدید بوش مبنی بر اینکه تذکر نو در شرق را بایک همیل نو در غرب پاسخ گوید بدون دلیل نیست: ایالات متحده آمریکا بخاطر قلبه بر کسری موازنه تجاری و بدهی های خارجی خود محتاج کاهش قطعی حجم تسلیحات و تجدید سازماندهی سرمایه گذاری های خود از حیطة نظامی به حیطة های غیر نظامی است.

آمریکا به پرسترویکای ویژه خود نیازمند است. وضع تعلیم و تربیت، بهداشت و خدمات همومی دچار نابسانی است، زیر ساخت اقتصادی عقب رفته و به این ترتیب امکانات سرمایه گذاری در مقیاس بین المللی پس رفت کرده است.

بوش در مالتا مخوم "تقسیم صلح" را بکار برد. او گفت باید مقادیر زیادی پول از بودجه تسلیحاتی کسر شود و به وظایف مهم دیگر اختصاص یابد. به این ترتیب ایالات متحده قادر است تغییر جهت در سیاست تسلیحاتی خود را آغاز کرده و به مراتب بیش از ۱۹۵ میلیارد دلاری که "چنی" وزیر دفاع، جهت کاهش بودجه نظامی پنج ساله پیش بینی کرده بود از بودجه مذکور کسر کند. در مالتا روشن شد که هر دو طرف خواهان از بین بردن نیمی از سلاحهای استراتژیک اتمی تا دیدار بعدی خود در ماه ژوئن ۱۹۹۰ هستند. هر دو طرف مایل به تداوم مذاکرات وین جهت انعقاد قرارداد کاهش سلاح های غیر نظامی شده اند.

دیدار میخائیل گارباچف و جرج بوش در مالتا نمایانگر پایان قطعی جنگ سرد و پیروزی عقل در روابط بین المللی می باشد.

در ال سالوادور جنگ حکومت می کند. جنگی که بقول کراسون سناتور آمریکایی، به وسیله آمریکا حمایت می شود و قابل پیروزی نیست. در همان آغاز سال جاری کمیسیون مشورتی کنگره آمریکا نسبت به بی ثباتی رشد یابنده در منطقه هشدار داده بود. در گزارش کمیسیون مزبور گفته شد که سیاست کنونی دولت آمریکا، قدرت نظامیان محلی را تقویت کرده و تناقضات اجتماعی را گسترش بیشتری داده است. جنگی که اینک دوباره شعله ور شده تأیید هم انگیز این حکم است. حکومت ایالات متحده گویا هنوز بر این تفکر است که منازعه شرق و غرب را در تحلیل رویدادهای "حیاط خلوت" آمریکا تعیین کننده بداند. اظهاریه رئیس جمهور آمریکا مبنی بر اینکه اتحاد شوروی منازعات آمریکای لاتین را شورا نه است، منطبق بر همین منطق است.

حکومت ال سالوادور پیوند تنگاتنگی با آمریکا دارد. کمکهای آمریکا به رژیم ال سالوادور به مراتب بیشتر از کلیه مالیات هائیس که از مردم آن اخذ می شود. بخش اعظمی از این کمک ها مستقیماً در اختیار ارتش قرار می گیرد. همین دو هفته پیش کنگره آمریکا "از ترس یک کوبا یا نیکاراگوئه جدید" کمک مالی جدیدی را به این کشور تصویب کرد. به این ترتیب نظامیانی که مداوماً حقوق بشر را نقض می کنند به وسیله حکومت ایالات متحده آمریکا که خود را پرچمدار دفاع از حقوق بشر قلمداد می کند، تقویت می شوند. در ال سالوادور پس از شکست دولت دمکرات مسیحی دوارته دیگر یک نیروی بینابینی سیاسی وجود ندارد. با پیروزی حزب افراطی راست آرنو در انتخاباتی که توسط نژادیک به ۵۰ درصد اهالی تحریم شده بود، جامعه بلحاظ اجتماعی و سیاسی قطب بندی شد. مذاکرات میان کریستیانو رهبر حزب آرنو، باجبهه فارابوندومارتی بی نتیجه ماند. پیروزی آرنو در انتخابات قدرتمندان واقعی کشور را بر محور این حزب گرد آورد. دولت دوارته چنین خصوصیتی نداشت. به همین دلیل چریک ها امیدوار بودند که توافقی حاصله در مذاکرات بر خلاف دوران دوارته

ارتش، کلیسا و اکثر سازمان های اجتماعی و تقریباً همه اقشار جامعه را به حمایت از چریک ها متهم می کنند. و البته این واقعیت دارد. مبارزه جبهه فارابوندومارتی توسط مردم و نیز کلیسا قویا پشتیبانی می شود.



کودتادر فیلیپین

ششمین کودتایی که از هنگام روی کار آمدن خانم آکینو توسط نیروهای ارتشی صورت گرفت، ناکام ماند. فیدل راموس، وزیر دفاع، اعلام کرد کودتاچیان به طور قطعی شکست خوردند. در نبردی که میان کودتاچیان و قوای دولتی در گرفت حدود ۱۰۰ نفر جان خود را از دست دادند. یک روز قبل از شکست توطئه، کودتاچیان از خانم آکینو خواسته بودند استعفا دهد و سیستم سیاسی آتی را به انتخاب مردم واگذارد. بخشی از مردمی که با خیزش خود منجر به سقوط فردیناند مارکوس شده و با شور و امید به آکینو رای داده بودند، در طی کودتای اخیر با کمال بی تفاوتی درگیری قوای دولتی و کودتاچیان را نظاره می کردند. علت اصلی پدیده فوق این واقعیت است که در طول زمامداری خانم آکینو برخلاف توهم اولیه مردم نسبت به رژیم جدید، هیچگونه تغییری در وضعیت آنان روی نداده است.

امکان تحقق بیابد. آمادگی وسیع جبهه فارابوندومارتی برای مذاکره و توافق نیز در همین چارچوب قابل ارزیابی است. مطالبات نیروهای انقلابی حتی از مطالبات افسران اصلاح طلبی که پس از کودتای ۱۰ سال قبل خود

بصورت خواسته های برنامه ای مطرح کرده بودند رقیق تر بود. جبهه فارابوندومارتی نه بر بررسی اعمال ضد حقوق بشر ارتش پای نشرد، نه بر عقب نشینی های اقتصادی و نه بر مشارکت در قدرت. عدم تمایل کریستیانو بر پذیرش کوچکترین خواسته های انقلابیون مبین موضع سرسختانه ارتش بود. هنگامی که جبهه فارابوندومارتی هنوز مشغول مذاکره با دولت بود، نیروهای دست راستی حزب آرنو، کریستیانو را به نشان دادن ضعف متهم کرده و در توهم برتری قدرت ارتش بر چریک ها بسر می بردند. یک ماه پیش ارتش دفتر عملی نیروهای فارابوندومارتی و دفتر اتحادیه سندیکایی را بمباران کرد. بدنبال آن جبهه فارابوندومارتی به مذاکرات پایان داد و دوباره به اسلحه متوسل شد. منطق احمقانه نظامیان در هفته های اخیر به قیمت زندگی هزاران نفر تمام شده است. واحدهای دولتی مناطق مسکونی را بمباران کردند. شکنجه و قتل شش رهبر کلیسای مرکزی توسط ارتش بر همق جنگ افزود. دولت و

دیدار میخائیل گارباجف و جرج بوش نمایانگر پایان قطعی جنگ سرد

خویش را بر بنیان نوینی تنظیم می‌کنند. آنچه امر مزبور را به جریان انداخت پرسترویکا بود. تفکر نوین سیاسی ضرورت تحول را باز شناخت. این ضرورت هم از بقیه در صفحه ۱۱

دیدار میخائیل گارباجف و جرج بوش در مالتا شاید مناسبترین رویداد جهت اعلام پایان جنگ سرد بود. ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی به عنوان رهبران دو بلوک نظامی رو در رو روابط



برای اشتراك تشریات «کار» و «اکثریت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمپرستی و یارسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگرتقاط	اروپا	بهای اشتراك	نشریه «کار»
۱۳ مارك	۱۱ مارك	☐ شش ماهه	☐ يك ساله
۲۴ =	۲۱ =		

دیگرتقاط	اروپا	بهای اشتراك	نشریه «اکثریت»
۳۰ مارك	۲۷ مارك	☐ سه ماهه	☐ شش ماهه
۵۸ =	۵۲ =	☐ يك ساله	
۱۱۵ =	۱۰۲ =		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 286
MONDAY, 11. Dec. 89

حساب بانکی،
AUSTRIA .WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
RR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

آدرس: Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

با جمع آوری کمک هائی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید

کنگره حزب سوسیالیست متحده آلمان تمامی رهبران قبلی را کنار گذاشت

مطبوعاتی به مردم رجوع کرد و گفت زندگی و سلامت همکاران این اداره و خانواده‌های آنها در خطر است وی افزود مجموعه تحولات ممکن است نتایجی غیر قابل پیش‌بینی برای کشور و اهالی آن داشته باشد.

برملا شدن فساد در رهبری حزب، انقلاب درونی در حزب متحده سوسیالیست را نیز به سوی انفجار سوق داد. انشای ابعاد تملک ثروتهای عمومی توسط قدرتمندان حزبی مثل بمب صدا کرد. یکی از اعضای معترض حزب در برابر دفتر کمیته مرکزی گفت: «اگر آنها فردا استعفا ندهند چکار باید بکنیم؟» و جمعیت حاضر پاسخ داد: در این صورت خودمان آنها را بیرون میرانیم. یک روز پس از آن، در ۳ دسامبر، رهبران حزب همگی استعفا دادند. کنگره‌ای که روز هشتم دسامبر گشایش یافت تاریخ حزب سوسیالیست متحده آلمان را ورق خواهد زد. یک حزب نوین در شرف تشکیل است. آخرین خبرها حاکی است که تمامی اعضای قبلی رهبری کنار گذاشته شده‌اند و ساختار قبلی بقیه در صفحه ۱۵

در هفته گذشته فرآیند انقلاب توده‌ای در جمهوری دموکراتیک آلمان با شدتی اوج‌یافته ادامه یافت. هیئت سیاسی و کمیته مرکزی حزب متحده سوسیالیست آلمان اعلام انحلال کردند و بجای آن یک هیئت موقت به منظور تدارک کنگره حزب، که روز جمعه ۸ دسامبر گشایش یافت، انتخاب شد. پس از آن اکنون کورتس آخرین مقام خود به عنوان رئیس شورای دولتی را نیز از دست داد و مانفرد گراخ، رهبر حزب لیبرال - دموکرات، جایگزین وی گردید.

بر اثر افشای تبهکاری‌های برخی مقامات سابق در زمینه رشوه خواری و سوءاستفاده از قدرت، مردم دچار خشم و هصبیت شده‌اند.

ولفگانگ میر، سخنگوی دولت، روز پنجشنبه گذشته در برابر خبرنگاران بین‌المللی اظهار کرد اوضاع در جمهوری دموکراتیک آلمان متشنج‌تر شده است. او برملا شدن سوءاستفاده‌های مالی توسط مقامات سابق را عامل پدید آمدن این اوضاع دانست.

دکتر ولف شوانیتس رئیس اداره امنیت ملی، در یک مصاحبه

سفارت جمهوری اسلامی در وین تحت نظر پلیس اتریش

خروج افراد به آن را کنترل می‌کنند. بدنبال هلنی‌تر شدن هر چه بیشتر نقش افراد وابسته به جمهوری اسلامی در واقعه سوئد، پلیس اتریش نتوانسته است از پی‌گیری امر شانه خالی کند و مجبور است برای دستگیری قاتلان جدید بیشتری نشان دهد.

البته دولت اتریش در بند و بست‌های سیاسی با جمهوری اسلامی قبلاً محمد جعفر صحرارودی، دیپلمات جمهوری اسلامی را که در جریان سوئد زخمی شده بود، آزاد روانه ایران کرد.

صحرارودی به عنوان مهره اصلی طرح ترور می‌توانست بهتر از هر کسی برای روشن شدن مسئله و حل معما مورد توجه مقامات قضائی اتریش قرار گیرد.

ماجرای ترور جنایتکارانه دکتر عبدالرحمان قاسملو رهبر حزب دموکرات کردستان، عبدالله قادری آذرویک مبارز کرد هراقی، در وین و ناپیگیری دولت اتریش در پی‌گرد قاتلان همچنان مورد توجه نیروهای مترقی و مجامع بین‌المللی است.

اخیراً پلیس اتریش در اثر فشار افکار عمومی تلاش‌های جدیدی را برای یافتن تروریست‌ها آغاز کرده است. دستور جلب منصور بزرگیان و دو تن دیگر که بعد از واقعه سوئد به جان دکتر قاسملو و یارانش به داخل سفارت جمهوری اسلامی گریخته‌اند از طرف مقامات قضائی اتریش صادر شده است. نیروهای امنیتی هفته گذشته برای دستگیری متهمین، سفارت جمهوری اسلامی را تحت نظارت شدید قرار داده و ورود و